

بکند. باز اروپا از نظر فرهنگی به ما نزدیکتر است، اما آمریکا اصلاً یک دنیای دیگر است و نوع موسیقی مورد علاقه آن‌ها هم نسبتی با ما ندارد. ما ایرانی هستیم و سلاقی و پیشینه و فرهنگ خودمان را داریم و فرهنگ آمریکا حداقل در موسیقی کمک چندانی به حال ما نمی‌کند.

«البته این دیدگاه شما در آثاری که پس از بازگشت‌تان از آمریکا ساختید هم منعکس شده و مشخص است شما صرفاً از تکنیک‌هایی که آن‌جا آموختید استفاده کردید تا موسیقی ایرانی را سمفونیک کنید و مثلاً اپرای ایرانی خلق کنید. موسیقی‌های فیلم‌هایی مانند «سمک عیار»، «دلبران تنگستان» و «شازده احتجاب» نمود همین دیدگاه ایرانی مدار شماست. به گمان شما جز این ویژگی چه ویژگی‌هایی در آهنگسازی شما به خصوص در موسیقی فیلم‌هایی که ساخته‌اید هست که شما و آثارتان را از دیگر هم‌قطاران‌تان متمایز می‌کند؟

موسیقی فیلم نیازمند یک مقدار استعداد است که در هر کسی نیست. ممکن است کسی آهنگساز خوبی باشد اما در موسیقی فیلم استعداد نداشته باشد. استعداد موسیقی فیلم در من بد نبود. از همان ابتدا که موسیقی می‌نوشتم به من می‌گفتند که این ساختها خیلی تصویری‌اند، هم برای پاله خوبند هم برای فیلم. مثلاً موسیقی واورژان خیلی اکسپرسیو و احساس بود اما موسیقی من بیشتر تصویری بود. یادم می‌آید وقتی رایسودی را برای خیلی‌ها پخش می‌کردم اکثراً معتقد بودند که این یک موسیقی فیلم خیلی خوب است، حالا برپاش را باید فکر کنیم و پیدا کنیم! از طرفی آشنایی من با سازهای ایرانی و علاقه‌ام به استفاده از آن‌ها در شکل موسیقی‌های فیلم من تأثیر زیادی داشت. **«تکنه جالب این است که فیلمسازها برای فیلم‌هایی با مضامین و فضای کاملاً ایرانی سراغ آهنگسازی می‌مانند شما می‌آمدند که قاعدتاً در حوزه موسیقی کلاسیک و غربی شهرت داشتید.**

این موضوع، دلیل مشخصی داشت. آن زمان صفحه‌هایی برای کودکان پر می‌شد. کانون پرورش فکری به من سفارش این نوع موسیقی را داد، من هم یک موسیقی ساختم که در آن دوتا سنتور، دوتا تنبک و سه، چهار ساز زهی و بادی بود. صفحه چهل و پنج دور این موسیقی پر فروش شد. چند نفر به خاطر همان صفحه سراغ من آمدند. یکی بهمین فرمان آرد بود برای فیلم «شازده احتجاب» و بعد هم پرویز کیمیای. به هر شکل فضای موسیقی کلاسیک به شکلی بود که عموماً موسیسن‌های این حوزه رغبتی به استفاده از سازهای ایرانی در قالب سمفونی نداشتند و من به‌نوعی صفشکن بودم. مثلاً مر حوم حنانه که جای پدرم بود اما بسیار با هم دوست بودیم تا مدت‌ها مخالف استفاده از سازهای ایرانی بود. یکروز به خانه ما آمده بود و من آهنگ «گل اومد بهپار اومد» را که برای بچه‌ها ساخته بودم، برایش پخش کردم و حنانه با نا ارحتی گفت تو خجالت نمی‌کشی برای این سازها موسیقی می‌نویسی؟ اما بعدها دیدم خودش در یک برنامه تلویزیونی، دستگاه‌های موسیقی ایرانی را آنالیز می‌کند! نصرالله زرین‌پنجه را هم آورده بود و با کمک ساز او نشان می‌داد که سه‌گاه چیست و چهارگاه چیست! همان زمان به ایشان گفتم بالاخره تسلیم شدید و حالا دیگر خودتان موسیقی ایرانی را تفسیر هم می‌کنید.

«شما در اوایل دهه ۶۰ خورشیدی در موسیقی پاپ هم آثار درخشانی خلق کردید. با این حال این مسیر را ادامه ندادید. چرا دیگر سراغ آن نوع موسیقی نرفتید؟

اصلاً کار من ترانه‌سازی نیست. من بیشتر علاقه‌مند به تکنیک‌های موسیقی غربی و کار با موتیف‌ها هستم. دلم نمی‌خواست یک ملودی بنویس باشم و ترانه‌ساز. البته همان طور که گفتید، آن کار را هم انجام داده‌ام و خیلی هم خوب انجام داده‌ام! یعنی اصلاً با آن نگاه که یک جوان می‌رود سراغ موسیقی کلاسیک و تصور می‌کند بقی انواع موسیقی بی‌خود و بی‌اهمیت‌اند شروع کردم اما کم‌کم دیدم موسیقی‌های دیگر هم خیلی خوبند. وقتی یک موسیقی خوب است دیگر تأثیرش را می‌گذارد.

«سال ۵۷ موسیقی فیلم «ساخت ایران» امیر نادری را ساختید که در آن موسیقی هم از تکنیک‌ها و سازبندی موسیقی پاپ و جاز استفاده کرده‌اید. این فیلم از اولین تجربیات جدی شما در فضای موسیقی غیرکلاسیک بوده است. چگونه از آن فضای سازبندی ایرانی به چنین فضایی رسیدید و این موسیقی فیلم متفاوت چگونه خلق شد؟

بله. در موسیقی فیلم «ساخت ایران» صدرصد از سازبندی موسیقی جاز (پاپ) استفاده کردم. منتها جاز ایرانی (پاپ ایرانی) ساختم. از یک تم محلی هم به‌عنوان تم اصلی استفاده کردم. از تمام سازهایی که در یک ارکستر بزرگ جاز (پاپ) استفاده می‌شود هم بهره بردم. چون اصلاً خودم هم می‌خواستم چنین فضایی را تجربه کنم. تم اصلی مربوط به صحنه‌های قهرمان فیلم را هم برای سازدهنی نوشتم. آن زمان هیچ کتابی برای سازدهنی در دسترس نبود که بدانم این ساز، بم‌ترین ث‌اتش چیست و زیرترین اش کجاست! آن روزها در نیوجرسی و نیویورک بودم و تمام کتابخانه‌ها را گشتم تا کتابی درباره موسیقی جاز (پاپ) پیدا کنم! اما به نتیجه نرسیدم. در نهایت یک صفحه موسیقی از آثر کوننسی جونز خریدم که در آن سازدهنی هم استفاده شده بود. وقتی موسیقی را گوش دادم و صدای سازدهنی را روی پیانو آنالیز کردم متوجه شدم که این ساز وسعت زیادی در اجرای نت‌ها دارد و همین شد که توانستم آن تم اصلی قهرمان فیلم را برای سازدهنی بنویسم. **«اصلاً این ایده آوردن سازبندی استاندارد، هارمونی و کنترپوان به موسیقی پاپ به نظر شما چگونه به موسیقی ما رسید؟**

من در همان سال‌های جوانی وقتی از رادیو موسیقی می‌شنیدم و با آن فضای سازبندی و صدادهی روبرو می‌شدم همیشه با خودم می‌گفتم، کی می‌شود که این وضع را عوض کنیم. ذهنیت‌ام این بود که چگونه می‌شود این موسیقی را به سطحی برسانیم که دیگر ترومپت، تار، سنتور، تنبک و... به‌صورت اونیسون و با هم اجرا نکنند! به‌هر حال مردم موسیقی فیلم‌های خارجی و موسیقی کلاسیک غربی

را می‌شنیدند و نسل ما می‌خواست آن سطح از موسیقی را به اجراهای ایرانی بیاورد. من هم اصلاً بدون این که با افرادی مثل واورژان در این باره صحبتی جدی داشته باشم با همین نیت به خارج رفتم که موسیقی خودمان را به آن سطح برسانم و می‌دانم که واورژان هم با همان هدف کار می‌کرد. اما به‌ر حال این واورژان بود که اولین بار به‌شکلی جدی در موسیقی پاپ به این هدف رسید.

«موسیقی امروز را در قیاس با گذشته چگونه می‌بینید؟

من استعدادهای زیادی را در میان جوانان می‌بینم، اما فکر می‌کنم که متأسفانه فضای امروز موسیقی برای شکوفا شدن این استعدادها چندان مناسب نیست. ذائقه مردم هم همین‌طور. موسیقی ما پیش از انقلاب فضای بسیار بهتری داشت و بهترین آثار در حوزه کلاسیک و پاپ در آن زمان خلق شد. موسیقی پاپ این روزها چندان آبرویی ندارد. اصلاً نباید اسم‌اش را پاپ بگذاریم که از آن آثار درست، متمایز باشند. قبل از انقلاب هرکسی جای خودش بود. هر خواننده‌ای نماینده یک طبقه از مردم بود. یکی برای روشنفکرها خوب بود، یکی برای توده مردم، دیگری برای قصاب، بقال و یعنی برای هر قشری نماینده‌ای در موسیقی بود و همه هم خوب بودند. بیشترشان هم نرفته بودند دانشگاه که لیسانس و دکترایگیرند و نهایتاً دیپلم هنرستان داشتند که همان هم برای کارشان کافی بود. باقی‌اش را با تجربه و کار به‌دست می‌آوردند. الان دانشگاه، به‌نوعی بلای جان موسیقی شده. حتی بعضی‌ها می‌روند از دانشگاه‌های خارج مدرک می‌گیرند وقتی می‌پرسم چه کاری تا امروز کرده‌ای چیزی برای ارائه ندارند. موسیقی اول استعداد می‌خواهد، بعد گوش خوب و پشتکار. باید همه موسیقی‌ها را بشنویم و از آن‌ها یاد بگیریم.

«به‌هر حال شما خودتان به‌عنوان استاد در این دانشگاه‌ها تدریس کرده‌اید و شاگردان موفق زیادی هم داشته‌اید. این

شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴
سال چهارم ـ شماره ۸۹۰
www.hammihanonline.ir

موضوع را چگونه با شاگردان‌تان مطرح می‌کنید؟

من همیشه به بچه‌های دانشجوی می‌گویم، مگر وزارت چقدر سواد داشت؟ یک‌چهارم من هم نمی‌دانست! شوبرت و بتهوون چقدر سواد داشتند؟ چیزی هم اگر خوانده‌اند، مایشتراش را خوانده‌ایم! اما این‌ها خودشان تبدیل به خالقان موسیقی کلاسیک امروزان شده‌اند. ما در فرم موسیقی تعاریفی مثل سونات، سمفونی و ترانه داریم. این‌ها آمده‌اند هر کدام از فرم‌ها را با سلیقه خودشان تغییر داده‌اند و ویرایش کرده‌اند. جسارت داشته‌اند که در آن کلیشه‌ها گیر نکنند و به ما هم این جسارت را می‌آموزند. مثلاً موتزارت از این کارها زیاد کرده است، من در آخرین اثرم که این اواخر با نام «دیورتیمنتو» منتشر شد همین کارها را کرده‌ام. در آن جایک تم نوشته‌ام که سبار تکرار می‌شود و هر دفعه‌اش با قبلی فرق می‌کند. من اگر می‌خواستم بر اساس سیستم قالب و کلیشه، موسیقی‌ام را بنویسم باید یک دفعه آن تم را تکرار می‌کردم اما یکبار دیگر هم تکرار کردم! بعد که کار را شنیدم دیدم نمی‌توانم هیچ کدام را حذف کنم چون همه زیبا شده‌اند. مثلاً موتزارت کنسرتوی ویولن می‌نویسد و ناگهان آخرش جیبسی می‌شود! این‌ها بوده‌اند که با جرات و جسارت‌شان فرم کلاسیک را باوجود آورده‌اند. خیلی از این فرم‌ها قبل از مثلاً بتهوون نبوده است. آهنگسازها و موسیقی‌دان‌ها فرم‌های جدید ابداع می‌کنند، این‌هایی که می‌آیند در مورد موسیقی سخنرانی می‌کنند و حرف می‌زنند! بیشترشان فکری می‌کنند موسیقی همیشه همین بوده و ما اجازه نوآوری و تغییر در این فرم‌ها را نداریم مگر این که اسمی بزرگ باشد که جسارت‌اش را بپذیرند! هرکسی که استعداد دارد می‌تواند چیزی به این فرم‌ها اضافه کند و غیر از این اگر تکرار کلیشه‌ها باشد هیچ ارزشی ندارد. بتهوون با باخ متفاوت است و براسم هم موسیقی‌اش با بتهوون فرق می‌کند؛ چون این‌ها هر کدام چیزی به موسیقی اضافه کرده‌اند و صرفاً تکرار قبلی نبوده‌اند. هنر مهم است و دیگر هیچ.

ابلاغیه کارفرما

کارفرماهای محترم کارگاه‌های نظم آذین تکساو تعاونی کارکنان نیروهای مسلح

نظر به اینکه مورخ ۰۸/۰۳/۱۴۰۳ کمیته بدوی سخت و زیان‌آور استان تهران، مرتبط با متقاضی آقای حاتم حسین پور به طرفیت آن کارگاه صادر شده است، براساس آیین‌نامه اجرایی، ظرف ۱۵ روز از تاریخ انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به ارائه اعتراض خود به نشانی دبیرخانه سخت و زیان‌آور واقع در: تهران، خیابان میرزای شیرازی، بین خیابان شهید مطهری و کریمخان زند، کوچه شهید عزیزاللهی (هشتم)، جنب بوستان میرزای شیرازی، پلاک ۱، ساختمان اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی واحد میرزای شیرازی طبقه اول اقدام نمایید. در غیر اینصورت تصمیم صادره قطعی خواهد شد.

م/الف/۰۶/۱۴۰۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک غرب اصفهان

شناسه آگهی: ۰۶۸۷۴۲۰۰

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر آرا صادره هیات‌های موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. ردیف-۱: برابرایر شماره ۱۳۶۶ مورخ ۰۵/۰۵/۱۴۰۴ هیات دوم مالکیت آقای ماشاله افشاری باد جانی به شناسنامه شماره ۱۳۷۷ کد ملی ۱۵۸۹۴۱۱۳۱۱۴۰۴ فرزند عروجعلی در شش‌نگ یک باب ساختمان به مساحت ۰۰۰ مترمربع پلاک شماره ۶۷ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت محمد بیات فرزند حسین سند ۵۷۲۶ مورخ ۰۴/۱۵/۱۴۰۴ دفترخانه ۸ اصفهان تایید و محرز گردیده است. تاریخ انتشار نوبت اول: ۰۵/۱۴۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۰/۱۴۰۴

شهریاری / رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (ارزیابی ساده)



سازمان منطقه و وزارت اقتصادی ایران

موضوع: مناقصه خرید ۱۵۰ دستگاه کامپیوتر (کیس کامل) - ۲۳/۰۴/۱۴۰۴

- سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در نظر دارد انجام خدمات با موضوع فوق را طبق مشخصات و شرایط کلی زیر، از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای و پس از ارزیابی ساده به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید (اطلاعات تکمیلی در اسناد مناقصه می باشد)
- نام و نشانی مناقصه‌گزار: **سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس - استان بوشهر، عسلویه، ساختمان مرکز همایش‌های خلیج فارس**
 - مبلغ برآورد اولیه: **۳۹,۵۰۰,۰۰۰ ریال**
 - نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: **ضمانت نامه معتبر بانکی یا وجه نقد به مبلغ ۱,۹۷۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال** که قابل تمدید به مدت سه ماه با درخواست مناقصه‌گزار می باشد.
 - شرایط شرکت در مناقصه : اشخاص حقیقی (دارای پروانه کسب مورد تأیید از اتحادیه صنف تولید کنندگان یا تأمین کنندگان مرتبط با موضوع مناقصه) – اشخاص حقوقی (دارای مجوز فعالیت از سازمان نظام صنفی رایانه‌ای ای یا گواهی نامه احراز صلاحیت از شورای عالی انفورماتیک در زمینه تولید و ارائه رایانه‌های غیر Main Frame)
 - فرآیند انتخاب برنده مناقصه به صورت ارزیابی ساده انجام می گردد لذا مناقصه‌گران بایستی علاوه بر بارگذاری اسناد مورد درخواست و مستندات در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir، صرفاً (پاکت‌الف) را که حاوی ضمانت‌نامه فرآیند ارجاع کاری می باشد به صورت فیزیکی به دبیرخانه کمیسیون مناقصات ارائه نمایند.
 - آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد : **یک هفته پس از تاریخ چاپ آگهی نوبت دوم**
 - زمان و محل برگزاری جلسه توجیهی: **متعاقباً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) در قسمت توضیحات اعلام می گردد.**
 - مهلت بارگذاری پاکت‌های پیشنهاد قیمت در سامانه ستاد : **متعاقباً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اعلام می گردد.**
 - زمان گشایش پاکت های پیشنهاد مالی مناقصه (پاکت‌های الف، ب و ج)**: متعاقباً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اعلام می گردد.**

تلفن کمیسیون مناقصات: **۰۴-۲۱۵۰۱۳۷۰۷۲۲** شماره: **۰۷۲۲۱۵۰۱۳۷۲۱۵**

توجه: لازم به ذکر است امکان هرگونه تغییر در شرایط شرکت در مناقصه و مبلغ برآورد وجود دارد که متعاقباً از طریق سامانه ستاد اعلام می گردد. **شناسه آگهی: ۰۱۹/۲۰۱۱**

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای تجدید شده با ارزیابی کیفی برونسپاری توزیع مرسولات وارده شهرستان قدس



شهرکت ملی پست جمهوری اسلامی ایران

شرکت ملی پست جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله‌ای تجدید شده با ارزیابی کیفی برونسپاری توزیع مرسولات وارده شهرستان قدس، را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به شماره ۰۴۵۰۰۰۰۶۷۰۴۰۰۳۰۲۰۰۴ توزیع برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشائی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

🔸 **تاریخ انتشار مناقصه در سامانه: روز شنبه تاریخ ۰۵/۰۷/۱۴۰۴**

🔸 **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: از ساعت ۱۹ روز چهارشنبه تاریخ ۰۹/۰۷/۱۴۰۴**

🔸 **مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۶ روز شنبه تاریخ ۲۶/۰۷/۱۴۰۴**

🔸 **زمان بازگشائی پاکت‌ها: ساعت ۸ روز یکشنبه تاریخ ۲۷/۰۷/۱۴۰۴**

اطلاعات تماس- دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌های الف به آدرس: تهران میدان رسالت- ابتدای خیابان نیروی دریایی- نبش کوچه سهند - ساختمان شرکت ملی پست - طبقه دوم منطقه پستی شمال شرق تهران – دبیرخانه کمیسیون معاملات ارسال نمایند.

م الف: ۳۳۸۱ شناسه آگهی: ۰۱۳۱۲۰۰

یادنامه

پژواک جاودانه موسیقی ایران



روح‌الله فردوسی

منتقد و نویسنده

پژمان را نمی‌توان تنها یک آهنگساز دانست. او پژوهشگری بود که مرز میان موسیقی کلاسیک غربی و ریشه‌های بومی ایران را درنوردید. آتارش، از اپرای «جشن دهقان» و «دلاور سهند» تا پاله «روشنایی» و «سمندر»، جلوه‌ای از تلاشی پیگیر برای همنشینی شرق و غرب، سنت و نوآوری، ریشه و افق بود. در هر نغمه، پژمان هم میراث موسیقی ایرانی را پاس می‌داشت، هم چشم‌اندازی تازه بر جهان هنر می‌گشود.

از منظر معرفتی، پژمان هنرمندی بود که موسیقی را نه تفتن و سرگرمی، بلکه ابزاری برای تعالی آدمی می‌دید. در جهانی که هیاهوی روزمره روح انسان را فرسوده می‌کند، موسیقی او یادآور این حقیقت بود که هنر، راهی برای بازگشت به خویش و اتصال به دیگری است. او می‌دانست که نغمه، زبان مشترک دل‌هاست؛ زبانی که می‌تواند فراتر از مرز و مذهب، میان انسان‌ها پیوندی عمیق بیافریند. پژمان از آتارش، چه در شکوه سمفونیک و چه در لطافت ترانه، همواره بر آن بود تا به پادمان بیاورد که هنر، آینه انسانیت است و نغمه، پژواکی از روح متعالی بشر.

از منظر فلسفه‌ی هنر، آفرینش هنری چیزی فراتر از مهارت یا صنعت است. هنر تلاشی است برای معنابخشیدن به هستی، برای تبدیل تجربه‌های فردی به زبانی همگانی که همه بتوانند در آن سهیم شوند. هنرمند در این معنا، نه صرفاً آفریننده‌ی زیباشناسانه، بلکه مفسر زندگی است. پژمان نیز در امتداد چنین اندیشه‌ای حرکت می‌کرد. او موسیقی را میدان مواجهه‌ی انسان با حقیقت می‌دانست. همانگونه که فیلسوف می‌کوشد تا پرسش‌های بنیادین را با اندیشه پاسخ دهد، پژمان با نغمه‌هایش به این پرسش‌ها واکنش نشان می‌داد. که معنای امید چیست؟ که رنج چگونه قابل تحمل می‌شود؟ و زیبایی چه نسبتی با حقیقت دارد؟ از همین‌روست که آثار او، حتی در قالب‌های گوناگون - از سمفونی و اپرا گرفته تا موسیقی فیلم و ترانه - واجد بار فلسفی‌اند چرا که به ما نشان می‌دهند هنر، ابزاری برای زیستن آگاهانه و انسانی‌تر است.

پژمان خود به‌خوبی آگاه بود که هنرمند، اگر از ریشه‌های فرهنگی خویش بریده باشد، چیزی جز تقلدی بی‌ثمر نخواهد بود. او باور و تأکید داشت که آهنگسازی که موسیقی میهن خود را نداند، آهنگسازی عاریتی است. همین باور سبب شد که او تمام آتارش، هر چند از هارمونی و سازبندی غربی بهره می‌برد، همواره به دنبال رنگ و حال‌وهوای ایرانی باشد. پژمان بر این باور بود که «موسیقی ایران» بسیار فراتر از ردیف است و باید پهنه‌ای از نغمه‌های نواحی، از لرستان و کردستان تا مازندران، خراسان و بلوچستان را در بر گیرد. او بیش ازآنکه از ردیف الهام بگیرد، سراغ موسیقی محلی می‌رفت. زیرا معتقد بود، سر چشمه‌ی اصلی ریتم‌ها و موتیف‌های زنده‌ی ایرانی، در دل همین موسیقی نواحی نهفته است. همین دیدگاه، کار او را از تقلید صرف دور کرد و در جایگاه هنرمندی اصیل قرار داد که توانست با تکیه‌بر میراث بومی، صدایی نوو جهانی بیافریند.

نقش اجتماعی پژمان نیز کم‌اهمیت نبود. او با موسیقی فیلم، با همکاری کارگردانان بزرگ، صدا را به تصویر پیوند زد و روایه‌ای مردم‌را با آهنگ معنا بخشید. از جمله موسیقی فیلم‌های شازده احتجاب، سایه‌های بلند باد، بوی کافور عطر یاس، خانه‌ای روی آب و یک‌بوس کوچولو (بهمن فرمان‌آرا)، ساخت ایران (امیر نادری)، سمعک عیار (محمدرضا اصلانی)، دلبران تنگستان (همایون شهنواز)، بید مجنون و باران (مجید مجیدی) و روسری آبی (رخشان بنی‌اعتماد) که پژمان برایشان موسیقی ساخت و امروز بخشی از حافظه جمعی ما هستند. افزون بر این، او در عرصه موسیقی پاپ نیز آثاری ماندگار آفرید؛ از جمله ترانه‌هایی برای ستار (یا مولا)، عارف (بمان صادر)، داریوش (خانه سرخ و با من از ایران بگو)، حمیرا (وقتی که عشق میاد)، شهلای سرشار (آشنای دل).... این آثار نشان می‌دهند که پژمان، از جدی‌ترین فرم‌های موسیقی تا محبوب‌ترین ترانه‌ها، همواره در پی پیوند میان هنر و زندگی مردم بوده است.

ازاین منظر، مرگ پژمان فقدان یک فرد نیست؛ خلأیک وجدان هنری است. او یادآور شد که هنر می‌تواند وجدان بیدار یک ملت باشد؛ همانگونه که موسیقی‌اش در سخت‌ترین سال‌ها، مردمی بر دل‌ها بود و در خوش‌ترین روزها، طنین امید و زندگی را فزون می‌کرد.